

بحران هسته‌ای ایران با کشورهای غربی، تاثیر آن بر روند توسعه در ایران

(از ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت تا کنون)

دکتر صمد قائم‌پناه (نویسنده مسئول)

گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران

Email: sghaempanah89@gmail.com

دکتر سیامک بهرامی

گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Email: Sbahrami59@gmail.com

سارا دشتی

دانشجوی دوره دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

Email: sara.dashti1358@gmail.com

چکیده

اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران آثار زیانبار متعددی را در سطح ملی در پی داشته‌اند، این مقاله با توجه به تحریم‌های گسترده چندجانبه و یک جانبه علیه ایران در سالیان اخیر، اثرات این تحریم‌ها را بر ابعاد توسعه بویژه در مسائل اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در عصر جهانی شده، سیاست خارجی یک کشور همواره باید در خدمت توسعه ملی باشد. بنابراین سیاست خارجی باید از طرفی زمینه دفع موانع بین‌المللی توسعه کشور و از طرف دیگر زمینه جذب منابع بین‌المللی برای توسعه و قدرتمندی کشور را فراهم کند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مساله انرژی هسته‌ای در ایران طی دهه‌های گذشته منجر به تولید بحران در سطح ملی و بین‌المللی و در نتیجه مواجهه ایران با تحریم‌های چندجانبه و یک جانبه از سوی جامعه بین‌الملل شده و اعمال تحریم‌های بین‌المللی درخصوص ایران، با توجه به میزان و گستره وسیع آن، آثار زیانبار متعددی را بر حوزه‌های مختلف از جمله توسعه‌ی کند و بطئی در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیست بر جای گذاشته است. بطور نمونه در زمینه محیط زیست با توجه به ضرورت همکاری، هماهنگی و مسئولیت مشترک جامعه بین‌المللی، علاوه بر تنزل شاخص‌های حفاظت از محیط زیست و محدودیت دسترسی به کمک‌ها و حمایت‌های مالی و علمی، حق دسترسی شهروندان بر محیط زیست سالم نیز در معرض تهدید و تحدید قرار گرفته است. کاهش سرمایه‌گذاری و ارزش پول ملی و نیز افزایش نرخ تورم از تبعات دیگر این تحریم‌ها است. با توجه به نتایج بدست آمده در این مقاله جمهوری اسلامی ایران، برای عبور از مشکلات فعلی و دستیابی به توسعه ملی، رفاه عمومی، کاهش فقر و طلاق، ایجاد اشتغال، بهبود وضعیت محیط زیست و تقویت تولید چاره‌ای جز رفع تحریم‌ها و تعامل با کشورهای توسعه یافته و تاثیرگذار در نظام بین‌الملل و همگرایی با اقتصاد جهانی ندارند.

کلمات کلیدی: بحران هسته‌ای، توسعه، تحریم، سیاست خارجی، ایران

۱. مقدمه

مسئله هسته‌ای در ایران بعد از انقلاب اسلامی، همیشه از موضوعات چالشی در سطح بین‌الملل شناخته شده است؛ موضوعی که ایران را در یک سوی ماجرا و دول غربی و ایالات متحده را در جانب دیگر آن قرار داده است. به همین سبب اقتصاد ایران در چند سال گذشته روزهای پرنوسانی را تجربه کرده است. از اواخر دهه ۸۰، با افزایش تحریم‌ها روند نزولی اقتصاد ایران آغاز شد. تورم روزافزون و کاهش نرخ رشد اقتصادی، از جمله نتایج بحران‌های پی در پی سیاسی بود. بعد از برجام امید به بهبود وضعیت اقتصادی در کشور به وجود آمد اما این امیدواری کمتر از دو سال طول کشید. با خروج آمریکا از برجام و وضع دوباره تحریم‌ها، اقتصاد به مدار نزولی سابق خود بازگشت. شاید بتوان مهمترین عامل تاثیرگذار در شرایط اقتصادی ایران را بحران‌های سیاسی و به خصوص، رابطه با دیگر کشورهای جهان دانست. بحرانی که امروز نیز به قوت خود باقی است.

یکی از مصادیق بارز کنش‌های سیاسی و اقتصادی کلان در سال‌های اخیر، تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران است. تحریم اقتصادی به معنای توقف عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت است. ایران در چند دهه گذشته تحت سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ معاصر بوده است. این موارد پس از ماه مه ۲۰۱۸ که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، از برجام خارج شد و کارزار اعمال فشار حداکثری را آغاز کرد، شدت گرفت. تولید ناخالص داخلی ایران که در مرحله اول تحریم‌های دوران اوپاما راکد بود، از آن زمان در حال کاهش است. همه‌گیری کرونا هم به خسارات ناشی از تحریم‌ها افزود. برآوردهای داده‌های مربوط به مصرف خانوار و نظرسنجی اشتغال از تاثیر شدیدتر تحریم‌ها بر میانگین مصرف در قیاس با محرک‌های قبلی حکایت دارند. تحلیل‌ها، همچنین چگونگی تغییر نتایج علاقه، مصرف، فقر و اشتغال پس از تحریم‌ها را نشان می‌دهند. از سال ۲۰۰۸ در پی اختلاف‌های هسته‌ای بین ایران و آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران شدت بیشتری یافت؛ به طوری که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، شورای امنیت سازمان ملل، شش قطعنامه تنبیهی علیه ایران صادر کرد. در پی این قطعنامه‌ها، روابط اقتصادی آمریکا و کشورهای اروپایی با ایران بسیار محدود شد و از لحاظ اقتصادی، شرکت‌های فعال در ایران تحت فشار زیادی قرار گرفتند که شاخص‌های اقتصادی در ایران طی دوره مذکور گویای این موضوع است. همانند بحران‌های اقتصادی ناشی از شوک‌های بزرگ منفی اقتصاد کلان، تردیدی وجود ندارد که تحریم‌ها با کاهش صادرات نفت و جلوگیری از تجارت خارجی ایران، ضربه جدی به اقتصاد این کشور و سطح زندگی مردم عادی آن وارد کرده است. در یک بازه زمانی کوتاه بین ۲۰۱۶ که تحریم‌ها کاهش یافتند تا ۲۰۱۸ که دوباره به ایران تحمیل شدند، اقتصاد ایران از رشد ۱۳ درصدی تولید ناخالص داخلی به منفی ۶ درصد رسید. برای بیشتر افراد، آسیب‌پذیری در مصرف، نتیجه مستقیم دسترسی ناامن به فرصت شغلی بوده است. برای فقرا، درآمد حاصل از کار بیش از نیمی از هزینه‌های مصرف را تامین می‌کرده است و اگرچه تحریم‌ها به دلیل افزایش مشاغل در بخش‌های رقیب واردات از نظر اشتغال کمک کرده‌اند، با این حال به دلیل کاهش کلی سطح درآمد تاثیر منفی بر استانداردهای زندگی داشته‌اند (صالحی اصفهانی، ۱۴۰۰).

طبق آمار رسمی، نرخ دلار از ۹۶۷۰ ریال در سال ۱۳۸۷ به ۴۰۷۶۰ ریال در سال ۱۳۹۳ و در سال ۱۳۹۷ نیز به ۱۴۲۰۰۰ ریال نیز افزایش پیدا کرد، میزان صادرات نفت خام از ۲/۳ میلیون بشکه در روز به ۱/۵ میلیون بشکه در روز کاهش یافت و درصد بیکاری از ۱۰ درصد به ۱۲/۶ درصد رسید (عربی و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر به لحاظ زیست محیطی نیز تحریم‌های اقتصادی

ایران را با چالش‌های جدی رو به رو ساخته است. ایران وضعیت محیط زیستی بسیار شکننده‌ای دارد و در خط مقدم مبارزه با پدیده گرمایش جهانی قرار دارد. این کشور پهناور در کمربند بیابانی و منطقه خشک و بحران زده خاورمیانه و بین کشورهای جنگ زده نظیر افغانستان، عراق و سوریه قرار گرفته است. با نابودی منابع آب زیرزمینی و جنگل‌ها و مراتع منطقه و افزایش استفاده از سوخت‌های فسیلی، آسیب‌های جبران ناپذیری بر محیط زیست منطقه وارد شده است. در چنان شرایطی، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شرایط را وخیم‌تر می‌کند. تحریم اقتصادی نوعی جنگ تمام عیار است که همه چیز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این تحریم‌ها هم مستقیماً و هم بطور غیرمستقیم، محیط زیست ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ایران عصر پهلوی در زمینه محیط زیست در منطقه خاورمیانه پیشتاز بود. پس از انقلاب و بخصوص پس از جنگ تحمیلی بار دیگر میلیاردها دلار در زمینه انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر و بهره‌وری در زمینه استفاده از سوخت‌های فسیلی سرمایه‌گذاری شده است. تکنولوژی انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در اختیار کشورهای پیشرفته است. اکنون در شرایط تحریم که درآمد دولت به شدت کاهش یافته و تحریم بانکی راه را حتی بر خرید دارو و غذا بسته است، واردات تکنولوژی‌های پیشرفته زیست محیطی و انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر نیز متوقف شده است. تحریم‌های اقتصادی همچنین نوعی جنگ ویرانگر محسوب می‌شوند. در شرایط جنگ، دولت‌ها معمولاً بر نیازهای فوری و کوتاه مدت تمرکز می‌کنند. آنها اولین کاری که می‌کنند حذف یا کاهش بودجه‌های زیست محیطی است. مردم نیز برای تامین نیازهای اولیه خود به طبیعت روی می‌آورند و برای بهره‌برداری حداکثری از منابع طبیعی به رقابت برمی‌خیزند و محیط زیست از اولویت‌های دولت‌ها و مردم کنار گذاشته می‌شود. در چنان شرایطی، نهادهای حافظ محیط زیست تحت فشار قرار می‌گیرند که استانداردهای زیست محیطی را نادیده بگیرند و مانع فعالیت‌های اقتصادی مخرب نشوند. رسانه‌ها و افکار عمومی نیز در شرایط جنگ اقتصادی به نیازهای فوری توجه دارند و به پیامدهای طولانی مدت تخریب محیط زیست همچون گرمایش زمین و نابودی منابع طبیعی – که سرمایه نسل‌های آتی هستند – توجه ندارند (خدایی، ۱۳۹۸).

برای بررسی موضوع بحران هسته‌ای و مسئله توسعه^۱ توجه به این امر مهم است که در بحث‌های مربوط به توسعه و اقتصاد سیاسی ایران^۲ باید تأکید ویژه‌ای بر نقش و جایگاه دولت داشت. شواهد نشان می‌دهد که در کشوری همانند ایران تحقق راهبردهای توسعه اقتصادی، سیاسی و همچنین توسعه متوازن بدون وجود و دخالت دولت امکان‌پذیر نیست. از این رو، دولت نقش مؤثری در تحول کشور و اقتصاد سیاسی ایران دارد. (وفایی، ۱۳۹۶). بین موضوع هسته‌ای و توسعه رابطه متقابلی وجود دارد؛ ارتباطی که درون ایران آن را حق خود می‌دانند و خارج از مرزها به دنبال عدم دسترسی به آن هستند و این موضوع در ۴ دهه گذشته همواره مورد مناقشه چند طرف ماجرا بوده است؛ و نتیجه این مناقشات، از بررسی‌های اولیه حکایت از عدم دسترسی حکومت، جامعه و شهروندان ایرانی از موضوع و بحث دسترسی کامل به منابع توسعه‌ای دارد؛ اگرچه حکومت ایران به کمک شهروندانش در طول این مسیر ناهموار همیشه راه خود را ادامه داده‌اند و تا حدودی به پیشرفت نیز دست یافته‌اند؛ اما سنگ اندازی‌های مختلف به بهانه‌های برنامه هسته‌ای ایران، مسیر را همواره با دشواری‌های زیادی روبه‌رو کرده است. به همین علت تمامی افکار نگارنده به بررسی این مسئله (بررسی بحران هسته‌ای ایران با غرب بر روند توسعه ایران) خواهد بود (ادهمی و همکاران، ۱۳۹۴).

¹ Development

² Political economy of Iran

آنچه باعث توجه و اهمیت موضوع پژوهش حاضر خواهد بود، آن است که تحریم‌ها تا چه اندازه‌ای بر موضوع توسعه یافتگی یا عدم آن و عملکرد سیاست خارجی ایران در قبال چنین موضوعی اثرگذار بوده‌اند، توجه پژوهشی کمی به این موضوع گشته است و بررسی چنین موضوعی دارای ضرورت است. لذا هدف محقق از انجام این مطالعه پاسخ به این پرسش‌های اساسی است که چه رابطه‌ای بین بحران هسته‌ای ایران با کشورهای غربی بر روند توسعه ایران وجود داشته است؟ به همین منظور فرضیه بنیادین پژوهش حاضر به شرح ذیل بیان می‌گردد:

- بین بحران هسته‌ای ایران با کشورهای غربی و روند کند و بطئی توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی در ایران رابطه مستقیم وجود دارد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱ رویکردها و نظریه‌های توسعه

۲-۱-۱ توسعه پایدار

توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. توسعه اگرچه دارای بعد کمی نیز می‌باشد، اما دراصل دارای ابعاد کیفی است. توسعه‌ی اقتصادی فرآیندی است که در آن یک رشته تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد و به مرحله بالاتری از پیشرفت اقتصادی می‌رسد. به این ترتیب، می‌توان گفت رشد جزئی از توسعه است و همراه با توسعه اقتصادی حتماً رشد اقتصادی - اگرچه با تأخیر زمانی - حاصل می‌شود (قوام، ۱۴۰۰). شناخت این مسئله که رشد اقتصادی به خودی خود و به تنهایی و به طور خودکار بدون بهبود در شرایط کیفی زندگی افراد جامعه منجر به تحقق اهداف معین و وسیع‌تر توسعه نمی‌شود قدم مهمی در تکامل علم توسعه اقتصادی در دوره پس از جنگ جهانی دوم بوده است. با این وجود تعاریف مجرد و آرمان‌گرایانه از توسعه که در ادبیات توسعه اقتصادی عمومیت پیدا کرده است مشکلات نظری را به وجود آورده است که ضرورت دارد مفهوم توسعه را مجدداً بررسی کرد. چهار نکته زیر را می‌توان با توجه به این تعاریف ذکر کرد:

اولاً "توسعه درخلاء سیاسی رخ نمی‌دهد بلکه لازمه توسعه یک سازماندهی اجتماعی و سیاسی خاصی است که بتواند از نتایج نامطلوب رشد اقتصادی اجتناب کرده و جامعه را به سوی اهداف توسعه سوق دهد. ثانیاً، توسعه در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته بسیار متفاوت از آن چیزی بوده که اقتصاددانان توسعه به آن امید داشته‌اند. عده‌ای این وضعیت را به عنوان بحرانی در علم اقتصاد توسعه مطرح ساخته‌اند. ثالثاً، یک گرایش مشخصی در اقتصاد توسعه هم در اقتصاد نئوکلاسیک و هم در اندیشه ساختارگرایان و مکتب وابستگی وجود داشته که معمولاً "توضیح (تاریخی - تحلیلی) علل توسعه را با سیاست‌های توسعه مخلوط کرده‌اند. رابعاً غالباً به نظر می‌رسد که کشورهای توسعه یافته امروزی بر مسائل و مشکلات توسعه غلبه پیدا کرده‌اند. البته این موضوع روشن نیست درست باشد. زیرا هنوز بیکاری، نابرابری، محرومیت و انواع مختلفی از عدم تعادل ساختاریه وضوح در بسیاری از کشورهای توسعه یافته وجود دارد. این مشکلات عمده، ریشه در ساختار اقتصادی اجتماعی آن کشورها دارد که با توسعه، حل نشده‌اند و آنها به نوبه خود، نتیجه الگوهای خاصی از توسعه هم در درون اقتصاد آن کشورها و هم در وسعت بیشتر در اقتصاد جهانی می‌باشند. مهمترین و عمده‌ترین نکته‌ای که می‌توان بر آن تأکید داشت این است که توسعه جریانی همواره خطی

(دارای یک جهت) و ساده نیست بلکه به جای آن توسعه جریانی است نامتعادل، غیر مستمر، غیرسازگار. توسعه جریانی دیالکتیکی است که در آن هر تغییری در اقتصاد به همراه خود مشکلات و تعدیل‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. توسعه فرآیندی است توأم با بحران‌ها و دردها و مشکلات. چیزی نیست که حکومت‌ها از بالا بخواهند بلکه چیزی است که در درون جامعه باید بجوشد و نمو کند. تا آنجا که ممکن است هدف‌های توسعه را باید تعریف و معین ساخت و معلوم کرد که آن هدف‌ها در چارچوب کدامین ساختار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل تحقق و دسترسی می‌باشند (طاهری، ۱۳۹۷).

واژه توسعه پایدار (جدول ۱) به مفهوم گسترده آن شامل اداره و بهره برداری صحیح و کارا از منابع پایه، منابع طبیعی، منابع مالی و نیروی انسانی برای نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با بکارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل‌های امروز و آینده بطورمستمر و قابل رضایت می‌شود. توجه به مسایل زیست محیطی در سطح جهان پس از تشدید فعالیت‌های آلوده کننده در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی یعنی حدود ۶۵ سال قبل، آغاز گردید. در سال ۱۹۶۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط زیست گرفت و در نتیجه اولین کنفرانس جهانی در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد. حاصل کار کنفرانس بیانیه محیط زیست انسانی و برنامه عمل شامل ۱۰۶ توصیه نامه بود که وابستگی انسان به محیط زیست و شکل دهندگی آن را بیان نموده و استفاده منطقی از منابع کاهش آلودگی‌ها، آموزش همگانی، محیط زیست، تحقیقات زیست محیطی و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی زیست محیطی را به کشورهای توصیه نمود. برنامه محیط زیست ملل متحد ایجاد و نامگذاری پنجم ژوئن هر سال به عنوان روز جهانی محیط زیست انجام شد.

جدول (۱) تفاوت‌های اساسی رشد و توسعه پایدار

رشد	توسعه پایدار
حصول رشد اقتصادی به هر قیمت	تلاش برای توسعه همه جانبه در همه ابعاد
رشد پدیده اقتصادی است و دولت‌ها تعریف کننده آن می‌باشند	توسعه پدیده چند بعدی است که مردم تعریف کننده آن می‌باشند
ایجاد سازمان‌های بزرگ و نیرومند برای رشد با محور بودن دولت	برنامه ریزی نهادی با مراکز متعدد، سازمان‌های مردمی، چهارچوب‌های نظارتی
اندیشه محوری فزاینده رشد: برنامه ریزی	اندیشه محوری فزاینده توسعه: ارزیابی
نقش دولت: تولید کننده اصلی، تهیه کننده و نظارت کننده اصلی	نقش دولت: ایجاد چهارچوب‌های قانونی، توانا سازی، محول کننده قدرت، مشوق همکاریها، فعالیت‌های مردم و نهادهای مردمی
هدف حداکثر سازی سود و کارایی اقتصادی است	هدف پیشرفت انسانی پایدار است
پایه اصلی فلسفی فردگرایی است	پایه اصلی فلسفی مسئولیت جمعی است
انتخاب تکنولوژی بدون توجه به محیط زیست و در جهت افزایش کارایی صورت می‌گیرد	انتخاب تکنولوژی با توجه به بوم شناختی صورت می‌گیرد
شاخص موفقیت سودآوری و رشد است	شاخص موفقیت پایداری است
به منابع طبیعی به عنوان یک عامل تولید نگاه می‌شود	منابع طبیعی بستر حیات و توسعه است

۲-۱-۲ نظریه وابستگی

نظریه وابستگی اساساً نظریه‌ی خلفی برای تفکر ساختارگراست و بسیاری از ایده‌های اصلی این دو نظریه، مشترک است. بر خلاف ساختارگرایان که معتقد بودند بدون استراتژی قاطعانه‌ی قطع ارتباط و صنعتی‌سازی جایگزین واردات، اصلاً توسعه امکان‌پذیر نیست، طبق نظریه‌ی وابستگی، می‌توان با وجود روابط خارجی با بخش‌های توسعه‌یافته‌ی جهان، به توسعه دست یافت. با این حال، این نوع توسعه نوعی «توسعه‌ی وابسته» است یعنی از محرک و انگیزه‌ی داخلی (درون کشور در حال توسعه)

برخوردار نیست و بنابراین در برابر تغییرات پراکنده‌ی بازار جهانی، بسیار آسیب‌پذیر است. بر خلاف نظریه‌ی مدرنیزاسیون، نظریه‌ی وابستگی بر این مبناست که همه جوامع از طریق مراحل مشابه و یکسان به توسعه نمی‌رسند. کشورهای پیشامدرن دارای ویژگی‌ها، ساختارها و نهادهای منحصر به فردی مربوط به خود هستند و نسبت به اقتصاد بازار جهانی ضعیف‌ترند، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته هرگز در گذشته، در جایگاه دنباله‌رو نبوده‌اند. نظریه‌پردازان وابستگی معتقدند که کشورهای در حال توسعه، از نظر اقتصادی آسیب‌پذیر باقی خواهند ماند، مگر آنکه ارتباط خود را با بازار جهانی کاهش دهند (برگرفته از نظریه وابستگی: مقدمه، وینسنت فرارو^۱، ۱۹۶۶).

۲-۱-۳ نظریه نوسازی توسعه

نوسازی^۲ مفهومی است که در کل، معادل فرایندی برای دگرگونی جامعه به کار می‌رود. اصطلاح نوسازی برای تحلیل مجموعه پیچیده‌ای از تحولاتی که در همه زمینه‌ها برای انتقال از جامعه سنتی و کشاورزی به جامعه صنعتی رخ می‌دهد به کار برده می‌شد. در واقع در نوسازی بیشتر بر "فرد" تکیه می‌شود، در حالی که در توسعه بر "جامعه". تعریف راجرز از نوسازی چنین است: نوسازی فراگردی است که طی آن افراد از زندگی به شیوه سنتی به مرحله‌ای از زندگی پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر (به لحاظ تکنولوژیکی) گام می‌نهند. نوسازی در طول دهه‌های ۵۰ و ۶۰، پارادایم غالب در مطالعات توسعه بود. الگوی نوسازی اقتصادی شامل نوسازی صنعت و فن‌آوری، کشاورزی، خدمات و تغییر در نیروی کار است. طرفداران این الگو بر این باورند که نوسازی صنعت مستلزم معرفی ماشین‌های نو و روش‌های نو و تولید است. در این حوزه "شومپتر" و "والت روستو" بیش از دیگران مطرح هستند. روستو در بیانیه غیر کمونیستی، کشورهای پیشرفته را در ۵ مرحله در مسیر توسعه توصیف می‌کند: ۱- جامعه سنتی ۲- شرایط قبل از خیز اقتصادی ۳- مرحله خیز اقتصادی ۴- مرحله بلوغ ۵- مرحله تولید و مصرف انبوه. روستو در پانوشت کتابش مرحله فراسوی مصرف را عنوان می‌کند. بنظر او مردم جهان سوم به یک نیروی محرکه نیازمندند: (۱) انقلاب سیاسی: بازسازی نهادهای اصلی (۲) نوآوری فنی: ایجاد تحول (۳) فضای مساعد بین‌المللی که می‌تواند نیروی محرکه‌ای در این زمینه باشد. برخی از طراحان رویکرد نوسازی بر این باورند که پیش‌نیاز نوسازی کلی جوامع عقب‌مانده، نوسازی سیاسی است. به عبارت دیگر اینان بیان می‌کنند که نخست باید ساختار سیاسی این کشورها تغییر کند تا بتوان به تغییرات در دیگر زمینه‌ها دست یافت. جهانی شدن براساس «عام‌گرایی» در مقابل «خاص‌گرایی»، «همگونی» در برابر «تفکیک»، «یگانگی» در برابر «چندگانگی»، «تمرکزگرایی» در مقابل «عدم تمرکزگرایی» و بالاخره «پیوستگی» در برابر «از هم گسیختگی» است. بر اثر جریان جهانی شدن، الگوی نوسازی سیاسی در کشورهای در حال توسعه به عرصه‌ای وارد شده که بر اثر فشارهای بین‌المللی، حکومت‌های این کشورها مجبورند که به تدریج بر میزان مشارکت مردم در جریان‌های سیاسی بیفزایند و از اعمال مستبدانه سیاسی بپرهیزند. بزرگترین نارسایی نظریات نوسازی چشم‌پوشی از تحلیل ساخت درونی کشورهای جهان سوم است. انگاره‌های توسعه در کشورهای پیشرفته و جهان سوم متفاوت است. زیرا میان گذشته و حال کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌یافته کنونی مشابهتی وجود ندارد. در نیمه اول قرن بیستم اصطلاح نوسازی به فرایند تغییرات در کشورهای عقب‌مانده گفته می‌شد که آنها را از ساختارهای سنتی به وضعیت نو انتقال می‌دهد.

¹ Vincent Ferraro

² Modernization

۲-۲ ارتباط سیاست خارجی و توسعه

امروزه دولت-ملت‌ها در مسیر کسب منافع اقتصادی در عرصه بین‌المللی رقابت سرسختانه‌ای دارند و برخی اوقات همکاری با دیگر دولت‌ها را به‌منظور شکل دادن به نهادهای تنظیمی در راستای اهداف مورد علاقه‌شان پیگیری می‌کنند. آن‌ها همچنین در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با یکدیگر رقابت می‌کنند و دولت‌های دیگر را تحت فشار قرار می‌دهند تا به بازارهای آنها در جهت منافع شرکت‌های ملی خود دسترسی داشته باشند. همچنین دولت‌ها در تلاش‌اند تا از تولید داخلی خود از طریق تعرفه‌های گمرکی حمایت کنند. از طرفی دیگر، این کشورها با تنظیم قواعد و استانداردهایی در قالب نهادهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی^۱ و اتحادیه ارتباطات بین‌المللی^۲، یا در زمینه توافقنامه اقتصادی منطقه‌ای مانند NAFTA همکاری بین‌المللی خود را عمق می‌بخشند (یوئی و ساندر^۳، ۲۰۲۱). علاوه بر این، یکی از مسائل بسیار مهم در مسیر افزایش قدرت و ثروت هر کشوری در دنیای جهانی شده، میزان دموکراتیک بودن نظام سیاسی آن کشور است. وجود نظام سیاسی دموکراتیک، فضای باز سیاسی، حکومت قانون، قوانین شفاف برای کسب و کار اقتصادی، بخش خصوصی قوی، استقلال قوه قضائیه، برخورداری از رسانه‌های مستقل و آزاد باعث تسهیل روند توسعه کشور می‌شود. امروزه جریان‌های مالی جهانی به بخش‌هایی از جهان سوق پیدا می‌کنند که محیط کسب و کار اقتصادی در آنجا مناسب باشد و منطقه به‌لحاظ امنیتی از ثبات لازم برخوردار باشد. در این خصوص می‌توان وضعیت خاورمیانه را با آسیای جنوب شرقی مقایسه کرد. عناصر اساسی دموکراسی که در سال ۲۰۰۴ توسط مجمع عمومی تصویب شده، عبارتند از: تفکیک و توازن قوا، استقلال قوه قضائیه، سیستم تکثرگرایی احزاب سیاسی و سازمان‌ها، احترام به حاکمیت قانون، مسئولیت و شفافیت، آزادی، استقلال و تکثر رسانه‌ها، احترام به حقوق انسانی و سیاسی از جمله آزادی تجمع، آزادی بیان، حق رأی، انتخابات آزاد و... (صالح زاده، ۱۳۹۶).

۲-۳ نیاز به فناوری هسته‌ای ضرورتی اجتناب ناپذیر

انرژی هسته‌ای یکی از دستاوردهای عمده علوم و فنون هسته‌ای است و هم‌اکنون نقش مهمی در تأمین انرژی کشورها به ویژه در کشورهای پیشرفته دارد. جمهوری اسلامی ایران بیش از سه دهه است که تحقیقات متنوعی را در زمینه‌های مختلف علوم و فنون هسته‌ای انجام داده و براساس اصول راهبردی خود، مصمم به توسعه مؤثر و بهره‌برداری از آنها در راستای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در افق چشم‌انداز است. در قالب این برنامه‌ها، جامعه ایرانی در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی، باید توسعه‌یافته، برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب‌غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم و... باشد (قرشی و صدیق‌زاده، ۱۳۹۸).

برنامه هسته‌ای ایران که در سال ۱۳۲۹ آغاز شده بود در سال ۱۳۵۳ با تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران و امضای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر شکل جدی به خود گرفت. ایران در سال ۱۳۳۷، به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد و در سال ۱۳۴۷ پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) را امضاء کرد و دو سال بعد آن را در مجلس شورای ملی به تصویب

¹ World Trade Organization.

² International Telecommunications Union.

³ Yiu & Sander

رساند (حیدر^۱، ۲۰۱۵). برنامه ایران در سال ۱۳۵۳ این بود که در عرض بیست سال، چرخه کامل سوخت را بومی کرده و بیست و سه هزار مگاوات برق را از طریق ۲۲ نیروگاه هسته‌ای تأمین نماید (سریرا خان^۲، ۲۰۱۰). پس از آزمایش هسته‌ای هند در ماه مه ۱۹۷۴، شاه تصمیم گرفت که ایران باید توانایی تولید جنگ‌افزار هسته‌ای داشته باشد و با شرکت‌هایی نظیر فراماتوم^۳ از فرانسه، کرافت‌ورک یونیون از آلمان غربی و وستینگهاوس از ایالات متحده وارد مذاکره شد. در سال ۱۹۷۴، قراردادهایی با فرانسه، ایالات متحده و آلمان غربی برای رآکتور هسته‌ای امضا شد. ایالات متحده همزمان برنامه اتم برای صلح را راه‌اندازی کرد و طی آن رآکتور هسته‌ای کوچکی که ساخت شرکت ماشین آلات و ریخته‌گری آمریکایی^۴ بود، برای اهداف تحقیقاتی به دانشگاه تهران تحویل داد و دانشگاه MIT پذیرفت که به دانشجویان ایرانی در زمینه مهندسی هسته‌ای و فیزیک هسته‌ای آموزش دهد (سریرا خان، ۲۰۱۰).

بعد از انقلاب ۵۷ نیز ایران تحقیقات اولیه توسعه فناوری گداخت هسته‌ای در کشور را همگام با کشورهای پیش‌تاز آغاز کرد، ولی متأسفانه به دلایلی نظیر جنگ تحمیلی و محدودیت سرمایه‌گذاری، این حرکت به طور هم‌فاز ادامه نیافت. ایران در دهه ۱۳۶۰، با راه‌اندازی ماشین Pinch-Theta به عنوان کشوری هم‌فاز با کشورهای پیشرفته در زمینه گداخت شناخته شد. متعاقباً در دهه ۱۳۷۰، دو توکامک الوند و دماوند در سازمان انرژی اتمی راه‌اندازی و به بهره‌برداری رسید؛ ولی باید اذعان نمود که در طی این مدت به استثنای برخی پژوهش‌های پراکنده آن هم با اراده پژوهشگران سازمان انرژی اتمی و برخی دانشگاه‌ها که البته تعدادی از آنها بسیار حائز اهمیت نیز هست، حرکتی هدفمند و در قالب یک برنامه ملی در کشور صورت نگرفته است. البته در سال ۱۳۸۸، طرح کلان ملی "طراحی و ساخت رآکتور آزمایشی گداخت هسته‌ای" مورد تأیید معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری قرار گرفت و طی دو سال فاز مطالعات امکان‌سنجی آن با موفقیت توسط پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای ایران در قالب ۱۶ سند راهبردی به اتمام رسید (اسناد مطالعات امکان‌سنجی طرح ملی گداخت هسته‌ای، ۱۳۹۱). این اسناد مسیر انجام برنامه ملی توسعه فناوری گداخت هسته‌ای در کشور را ترسیم نموده است. در این راستا و به اعتبار پشتوانه علمی موجود در پژوهشگاه پلاسما و گداخت هسته‌ای، تعداد پنج طرح کلان در سال ۱۳۹۳ تعریف و به تصویب شورای عالی پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای ایران رسید. با اجرای این طرح‌ها ضمن ارتقاء زیرساخت‌های علمی موجود، بستر لازم جهت انجام طرح‌های بزرگ و در سطح انجام همکاری‌ها و مشارکت در طرح‌های بین‌المللی فراهم شد. (قرشی و صدیق زاده، ۱۳۹۸).

۲-۴ تاثیر سیاست خارجی ایران بر بحرانی شدن فناوری هسته‌ای

در جهان امروز، امنیت مینا و معنای واحدی ندارد و در تمام ابعاد زندگی انسان مصداق و معنی پیدا می‌کند که شامل ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوده که همواره در میزانی از عینیت و ذهنیت غوطه‌ور می‌باشد. در این راستا هر جامعه‌ای با توجه به جایگاه و موقعیتی که در نظام بین‌الملل دارد در پی ایجاد و خلق یک شکل از امنیت برای حفظ منافع و یا بقای خود در شکل کلان و جهانی است. به موازات آنچه که به عنوان سیاست کلان ایران در عرصه بین‌المللی مطرح می‌باشد و نیز تبلیغات سوء قدرت‌های نظام بین‌الملل که نوعی ترس و هراس بین‌المللی را از ایران در اذهان شکل داده است، به نوعی نظام جمهوری اسلامی

¹ Haidar, J.I.

² Khan, Saira

³ Framatome

⁴ American Machine and Foundry

ایران یک خطر برای نظم جهانی مطرح شده است. با توجه به این رویکردهای دوسویه (از سوی ایران تلاش برای تغییر نظام بین‌الملل و از سوی کشورهای غربی تلاش برای حفظ وضع موجود) سبب بوجود آمدن نوعی تقابل بین دو طرف در عرصه بین‌المللی شده است (خالوزاده، ۱۳۹۸).

با سیاسی نمودن و امنیتی شدن برنامه هسته‌ای ایران بنوعی مساله هسته‌ای به یک مساله بین‌المللی تبدیل گردیده که علت جهانی گشتن موضوع مذکور به عدم توجه و آینده‌نگری در تصمیم‌سازی‌های کلان مدیریتی در ایران برمی‌گردد. در واقع عدم بکارگیری عقلانیت در برخی از تصمیم‌گیری‌ها و بدون شناخت و اشراف بر اوضاع و احوال بین‌المللی و موضوع هسته‌ای و با توجه به موقعیت تجدیدنظر طلبانه نظام جمهوری اسلامی ایران و عدم انطباق شرایط موجود انقلابی ایران با تصمیم‌گیری‌های زودگذر و بدون توجه به عواقب احتمالی آن در آینده سبب گردیده که در طی یک دهه اخیر ما شاهد تبدیل مساله هسته‌ای به یک بحران باشیم. در واقع با تغییر چرخش رویکردی اروپا در مذاکرات با ایران و متمایل شدن به سیاست‌های آمریکا در این زمینه و نیز با خروج پرونده هسته‌ای از آژانس و قرار دادن آن در نظارت شورای امنیت، شاهد خروج موضوع از مدیریت اروپا به سمت مدیریت آمریکا بوده‌ایم. در این راستا برنامه هسته‌ای کشور و بحرانی شدن آن نه تنها توسعه ملی را مورد ضرب‌آهنگ نزولی قرار داده بلکه از وجه دیگر نیز موضوع امنیت ملی ایران و حاکمیت ملی را نیز مورد چالش و تهدید گاه و بی‌گاه قرار داده است. در واقع تغییر فضای گفتمان هسته‌ای از شکل فنی و حقوقی آن به شکل سیاسی و امنیتی، متأثر از این نوع فرآیند تصمیم‌گیری در کشور بوده است (ساجدی و مطهری، ۱۳۹۹).

۲-۵ توسعه ایران از انقلاب تا پیدایش بحران هسته‌ای

- توسعه در دوران جنگ:

فشار گرایش‌های مختلفی که در ابتدای انقلاب وجود داشت باعث عدم یکپارچگی نظر در خصوص مسائل اقتصادی و حدود فعالیت بخش خصوصی و دولتی شده بود. در این میان تداوم منازعات جناحی را می‌توان از مهمترین عوامل عدم تمایل بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در ابتدای انقلاب دانست. به علاوه به واسطه تفسیرهای مختلف از ایدئولوژی اسلامی، دیدگاه‌های مشترکی در خصوص سرمایه‌گذاری خصوصی وجود نداشت (دادگر، ۱۳۸۶: ۱۸۹). در حقیقت وجود نهادهای موازی بیکاری و ناتوانی دولت در ایجاد بازار و بخش خصوصی و عدم از ظرفیت‌های تولیدی توسط بلوک‌های قدرت، از ایجاد یک استراتژی یکپارچه و منسجم در این زمینه ممانعت به عمل آورد. این نوع رویکرد تأثیر منفی بر فعالیت‌های اقتصادی گذاشته و تولید اقتصادی رو به اقبال نهاد. بخش کشاورزی یکی از مهمترین بخش‌های مورد توجه دولت در حوزه توسعه بوده است. بالا بردن سطح تولید محصولات کشاورزی و دستیابی به خودکفایی در زمینه تولید مواد غذایی و میزان صادرات کالاهای صنعتی و غذایی به عنوان یکی از اهداف مهم اقتصادی مورد نظر دولت بوده است. میزان صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی علی‌سالمهای جنگ، سیر صعودی داشته به گونه ای که در سال ۶۲ از ۳۱۸/۱ میلیون دلار به ۸/۴ میلیون دلار در سال ۶۸ رسید و حدود ۹۰ درصد صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌داد. (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). در مجموع در خصوص این دولت می‌توان چنین بیان نمود ضرورت مدیریت جنگ و بحران‌های ناشی از حمله رژیم بعثی عراق به کشور از عمده مسائل این دوره به شمار می‌رود. در این

دوران چند مرتبه زمینه برای طراحی برنامه توسعه ملی کشور فراهم گردید، ولی تا پایان جنگ تحمیلی هرگز برنامه توسعه کشور به مصوبه مجلس شورای اسلامی نرسید.

– توسعه در بحران بعد از جنگ (دولت هاشمی رفسنجانی):

دوران سازندگی از سال ۱۳۶۸ در حالی آغاز شد که جنگ خانمان براندازی که به قصد سرنگونی نظام انقلابی و اسلامی بر ایران تحمیل شده بود به تازگی به پایان رسیده بود و شرایط ویژه‌ای در کشور بود. سرایشی بودن اقتصاد سوسیالیستی و فروپاشی شوروی از جمله مسائلی بودند که سیاست‌گذاری نظام و چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری و شیوه اجرایی مسئولان در خصوص مسائل عمده کشور به شدت تأثیر گذاشته بودند (ترابی، ۱۳۹۹: ۳۴۳). رویکرد هاشمی رفسنجانی در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی مبتنی بر این بود که برای پیشبرد آرمان‌های جمهوری اسلامی نمی‌توانیم به ملاحظات کشورهای خارجی بی تفاوت باشیم، بلکه بایستی تلاش نماییم چهره‌ای مثبت و قابل اعتماد از خود به نمایش بگذاریم. دولت هاشمی در این دوره تلاش کرد در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی با کشورهای غربی و اروپایی و کشورهای عرب خلیج فارس ارتباط برقرار کند و تلاش کرد در عرصه بین‌الملل کشور را از انزوا خارج نموده و با دنیا تعامل داشته باشد و در این راستا سیاست خارجی تنش‌زدایی را در پیش گرفت (فارسون، ۱۳۸۷: ۲۹۷).

نیروگاه هسته‌ای بوشهر در طول جنگ با بمباران جنگنده‌های عراقی، دچار خسارات فراوانی شده بود. در سال ۱۳۶۹ اتحاد شوروی توافقنامه‌ای با ایران امضا کرد که در آن فرآیند اجرایی ساخت دو نیروگاه هسته‌ای ۴۴۰ مگاواتی قید شده بود. در سال ۱۳۷۱ روسیه تحت فشار آمریکا اعلام کرد فروش دو راکتور اتمی به ایران به شرطی انجام خواهد شد که ایران اقدامات نظارتی اضافی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را بپذیرد. در همین حال روسیه با درخواست دیگر آمریکا نیز موافقت و اعلام کرد هیچ فناوری یا تجهیزات مورد نیاز برای غنی‌سازی را در اختیار ایران قرار نخواهد داد. در این زمان روسیه به عنوان شریک اصلی ایران در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر و انتقال تجهیزات هسته‌ای شناخته شد که این شراکت تا به امروز ادامه پیدا کرده است (اعتماد، ۱۳۹۰). اما در همین زمان، قرارداد هسته‌ای که ایران و چین به امضا رسانده بود از سوی چین ملغی اعلام شد. با مذاکرات و پیگیری‌هایی که انجام شد، توفیق بزرگی برای کشور به دست آمد و ایران افزون بر دریافت اصل پول پرداختی، حدود هفده میلیون دلار نیز به عنوان خسارت و در مجموع ۶۲ میلیون دلار از طرف چینی دریافت کرد (صدری، ۱۳۹۶).

– توسعه در دولت خاتمی در سایه بحران هسته‌ای:

باروی کار آمدن دولت خاتمی در انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ عصر جدیدی در روابط خارجی ایران شروع شد. در این دوره که به علت طرح و برنامه‌های اصلاحی به دوران اصلاحات معروف شد سیاست خارجی در عین تداوم، دستخوش تغییرات رفتاری شگرفی شد. اولویت توسعه سیاسی در داخل، صلح‌گرایی، تنش‌زدایی، اعتماد سازی، گفتگو و چند جانبه‌گرایی گفتمانی را در دستور کار سیاست خارجی قرارداد، به گونه‌ای که نوعی سیاست خارجی توسعه‌گرای سیاسی و فرهنگی شکل گرفت. به دنبال این روند همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای خلیج فارسی گسترش یافت. دیدوبازدیدهای مکرر مقامات ایران و کشورهای خلیج فارسی از کشورهای یکدیگر امضای موافقت‌نامه‌های متعدد و همکاری‌های اقتصادی و انعقاد دو قرارداد با عربستان سعودی منجر به افزایش قیمت نفت از شبکه‌ای ۸ دلار به ۲۴ دلار شد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵). برنامه سوم

توسعه در تاریخ هفدهم فروردین ماه سال ۱۳۷۹ با اصلاحاتی از تصویب مجلس برای مشکلات ساختاری گریبان‌گیر دو برنامه اول و دوم توسعه، منجر به شکل‌گیری سرمشق اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی در برنامه سوم توسعه شد. مهمترین ویژگی برنامه سوم فرآیند توسعه اقتصادی کشور و سعی در فراهم آوردن الزامات تحقق یک توسعه پایدار بود (آل یاسین ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۲۰).

در این دوره جمهوری اسلامی در حالی در برنامه‌های توسعه خود، صنعت هسته‌ای را به عنوان صنعت استراتژیک در نظر گرفته بود و به دنبال ایجاد زیرساخت‌های آن در سال‌های دهه ۷۰ بود که با جنجال سازی غرب، این برنامه به حاشیه رفت و رفع سوءتفاهم‌ها و بهانه‌ها، بیش از یک دهه زمان برد. زمانی که یکی از سرفصل‌های اصلی سیاست خارجی^۱ ایران، برنامه هسته‌ای و مذاکرات طولانی حول آن بود. دولت هشتم در حالی آغاز شد که با بحران دادگاه میکونوس^۲ و خروج سفرای اروپایی از ایران مواجه شد. سیاست تنش‌زدایی^۳ و عادی‌سازی روابط با کشورهای غربی، از سیاست‌های عمده این دولت بود. همین سیاست، برنامه هسته‌ای ایران را نیز تحت تاثیر خود قرار داد. پس از اعلام رسمی دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فن‌آوری هسته‌ای، موج تبلیغات روانی بر ضد ایران از سوی آمریکا و دیگر متحدان اروپایی‌اش فزونی یافت. این تبلیغات به باز شدن پرونده ایران در شورای حکام^۴ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجامید. شورای حکام از ایران خواست ورود مواد هسته‌ای به سانتریفیوژها را به حالت «تعلیق»^۵ درآورد و با بازرسان آژانس برای نمونه برداری‌های محیطی همکاری کند (متقی، ۱۳۹۴). قطعنامه شهریور ۸۲ (سپتامبر، ۲۰۰۳) که آغاز رسمی بحران اتمی ایران شمرده می‌شود، تهران را ملزم می‌کرد تمام بخش‌های چرخه سوخت خود را تعلیق کند. این در حالی است که در مذاکرات سیاسی، هم بلوک اروپا، هم بلوک آمریکا و هم روسیه، خواسته‌ای فراتر از تعلیق را مطرح و بر توقف تمام فعالیت‌های چرخه سوخت ایران را تأکید می‌کردند. در آبان سال ۱۳۸۲، وزیران خارجه سه کشور اروپایی انگلستان، آلمان و فرانسه به تهران آمدند و مذاکرات آن‌ها با طرف ایرانی به «بیانیه سعدآباد»^۶ انجامید. براساس مفاد این بیانیه، جمهوری اسلامی ایران پذیرفت برای اثبات حسن نیت خود به طرف‌های اروپایی، فعالیت‌های غنی‌سازی را از زمانی که صلاح بداند و برای مدتی که خود تعیین می‌کند، به حالت تعلیق درآورد. هدف نظام از این توافق، شکستن فشارهای تبلیغاتی آمریکا و غرب و کاهش میزان حساسیت جهانی به فعالیت‌هایش بود. گروه مذاکره‌کننده توانست دامنه تعلیق را از «کل» به «تزریق گاز به سانتریفیوژها» تقلیل دهد. سیاست اروپا در این زمان سیاست چماق و هویج^۷ بود و براین گمان بودند که دولت ایران در مقابل فشارها عقب‌نشینی خواهد کرد. پس از توافقنامه پاریس و در آخرین ماه دولت هشتم، محمد خاتمی اعلام کرد غنی‌سازی اورانیوم را از سر می‌گیریم. در ژانویه ۲۰۰۶ نیز مقامات ایران در حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، تأسیسات هسته‌ای نظنز را فک پلمب کردند، اما شورای امنیت بلافاصله در مارس ۲۰۰۶ به ایران یک ماه فرصت داد تا فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند (هادیان، ۱۳۸۹).

¹ Foreign policy

² Mykonos

³ Détente

⁴ Board of Governors

⁵ Suspension

⁶ Sad statement

⁷ Carrot and stick policy

سیاست خارجی ایران در قبال اروپا در دوره خاتمی را بایستی با نظریه گفتگوی تمدن‌ها^۱ شروع کرد. یکی از انگیزه‌های مطرح در سیاست خارجی ایران در روابط با اروپا وجود و نقش‌آفرینی یک قطب قوی نظیر اروپای واحد در برابر سلطه‌طلبی و هژمونی آمریکا مطرح می‌شود که این امر به صورت اساسی از ابتدا مورد توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

– توسعه در دولت احمدی نژاد در سایه بحران هسته‌ای:

مفهوم عدالت با ظهور دولت محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ پا به عرصه وجود گذاشت. مدیریت سیاسی فضای ملی با توجه به تفکر عدالت بر اساس مفهوم توزیع عادلانه منابع و برخورداری مناطق محروم از امکانات بوده است. به واسطه همین مفهوم بود که در دولت عدالت‌محور بازمینی و حمله به تمامی ساختارهای پیشین خود را با استدلال استقرار و بهبود وضعیت عدالت کشور، توجیه می‌کرد (شورچی، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۲۳). فضای حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری و رویکرد توسعه اقتصادی کشور باروی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد با تحولات اساسی مواجه شد (سلطانی، ۱۳۹۵: ۵۹). احمدی‌نژاد با انتقاد از رویکردهای دولت‌های گذشته در عرصه سیاست خارجی اهداف، مسائل و رویکرد جدیدی را در عرصه سیاست خارجی کشور مطرح ساخت. انتقاد صریح از نظم موجود بین‌المللی و تأکید بر لزوم دگرگونی‌های این نظم و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین انتقاد از سیاست قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌المللی و تأکید بر عدالت در عرصه جهانی؛ تغییر رویکرد در حل و فصل مسئله هسته‌ای، سیاست منطقه‌ای تهاجمی و فعالانه، سیاست نگاه به شرق و سیاست جهان سوم‌گرایی مهمترین مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره دولت‌های نهم و دهم محسوب می‌شود (شورچی ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۳). وی بر این باور بود که حقوق بشر ابزاری برای تحت فشار قراردادن کشورهای مخالف ایالات متحده است. او اظهار می‌داشت که قدرت‌های بزرگ توجهی به شان انسانی ندارند و برای سرنوشت مناطق مختلف جهان فقط با ملاحظه منافع اسرائیل تصمیم می‌گیرند. تأکید بر سیاست نگاه به شرق یکی از رویکردهای مهم در سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم بود. بر اساس دیدگاه دولت نهم در سیاست نگاه به شرق باید توجه ویژه‌ای به روسیه و چین داشت زیرا این دو کشور می‌توانند نقش مهمی در مبادلات منطقه ای ایجاد موازنه بین‌المللی و تعدیل نظام تک قطبی داشته باشند. (آدمی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

در سند چشم انداز جمهوری اسلامی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه ارتقای قدرت و توان تولید اقتصاد کشور با ویژگی‌های رشد پرشتاب و مستمر مورد تأکید قرار گرفته بود. در قانون برنامه چهارم توسعه احکام صادره در محورها و مضامین رشد مستمر و پایدار توسعه مبتنی بر دانایی، تعامل فعال با اقتصاد جهانی و رقابت‌پذیری اقتصاد در راستای تأکید بر رشد اقتصادی استوار شده بود. اگرچه رشد اقتصادی کشور طی سه سال اول برنامه چهارم توسعه به ترتیب ۵,۷ درصد در سال ۱۳۸۴، ۶,۲۰ و در سال ۱۳۸۵، ۶,۹ درصد در سال ۱۳۸۶ روند افزایشی نشان می‌دهد و از متوسط رشد ۵,۵ درصد برنامه سوم بالاتر است اما نه تنها از ویژگی رشد پرشتاب و مستمر و پایدار برخوردار نشده بلکه در سه سال اول برنامه از میانگین کمترین رشد پیش‌بینی شده ۷,۴ درصد (نه تجدید نظر شده ۸ درصد برنامه چهارم توسعه هم کمتر شده است). (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه سال اول برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۸، ۱۷۶) تا اینکه در دو سال آخر برنامه چهارم رشد اقتصادی به ۳ درصد تنزل که نشان دهنده عدم کامیابی در دستیابی به هدف‌های برنامه است.

¹ Dialogue theory of civilizations

دوره ۸ ساله احمدی نژاد شروع بحرانی بود که از دولت گذشته باقی مانده بود و دشمنان ایران در پی تشدید آن بودند. حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت پس از یک دوره کوتاه از کار خود کنار رفت و سکان به دستان علی لاریجانی افتاد. خاویرسولانا^۱، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز نقش هماهنگ کننده را ایفا می‌کرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۵۲-۷۱). در ۲۸ مهر ۸۶ نیز وی سکان دبیری را با استعفای خود به سعید جلیلی سپرد تا فصل جدیدی در پرونده هسته‌ای ایران رقم بخورد. در زمان دبیری لاریجانی بر شورای عالی امنیت^۲ و مذاکرات وی با طرف‌های خارجی، سه قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب و اجرایی شد. نظر لاریجانی این بود که «ما دُرّ غلطان نمی‌دهیم تا آبنبات بگیریم!» قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷، در زمان مذاکرات لاریجانی رقم خوردند. در آوریل ۲۰۰۶ دانشمندان ایرانی موفق به تولید چرخه کامل سوخت هسته‌ای در مقیاس آزمایشگاهی شدند و ایران به کشورهای عضو باشگاه اتمی پیوست. شورای امنیت در ژوئیه ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۶۹۶ را تصویب کرد که خواستار تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران بود. شورای امنیت در دسامبر همان سال قطعنامه ۱۷۳۷ را تصویب کرد که بیشتر فعالیت‌های تجاری، مالی، صنایع موشکی و هسته‌ای ایران را براساس بند ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد، هدف قرار داده بود. این قطعنامه نخستین سند بین‌المللی حقوقی بود که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و ثبات منطقه‌ای^۳ معرفی می‌کرد (رنجبر، ۱۳۹۴: ۵۶). رویکردی که باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در تقابل با ایران انتخاب کرده بود، ایجاد اجماع جهانی علیه ایران و هماهنگ کردن اقدامات خصمانه علیه کشور بود.

مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد با مولفه‌هایی چون پیوند با مردم، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد دولت جوان انقلابی، تحقق شعارهای اقتصادی چون پرداخت یارانه و مسکن مهر، کم شدن فاصله طبقاتی دولت و مردم، معنا و مفهومی دیگری می‌یابد. معنایی که با اولویت‌بخشی به اراده و خواسته‌های ملت و با محوریت معیشت و اقتصاد توده مردم، به تبیین نقش مردم در راستای نیل به اهداف انقلاب اسلامی و بازتعریف دموکراسی در چارچوب اصول ارزشی انقلاب اسلامی منجر می‌گردد (عموی، ۱۳۸۶: ۱۱). در گفتمان فکری احمدی‌نژاد مولفه‌هایی چون بهره‌مندی از مایه‌های عمیق بنیادگرایی، رومانسیسم، پوپولیسم، تکیه بر نفت و خرده بورژوازی، احیای گفتمان سیاسی سنت‌گرایانه و امت‌محور و ضدیت با مدرنیته و غرب و شعائر غربی چون هولوکاست، فاقد منطق تولید و انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن، بی‌رغبتی به دموکراسی و ارزش‌های جامعه مدنی، نگرش‌های پست توسعه‌ای مبنی بر پایان توسعه و رد مبانی نظری و رویارویی با دنیای غرب را به همراه دارد که به‌نوبه خود به بازنمایشی مفهوم توسعه سیاسی از دریچه گفتمان اصول‌گرایی می‌پردازد (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

– توسعه در دولت روحانی در سایه بحران هسته‌ای:

در دولت روحانی طرح «تحول نظام سلامت» طرحی برای بهبود سیستم‌های سلامت جمهوری اسلامی بود که از ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۳ در بیمارستان‌های وزارت بهداشت آغاز به کار کرد. آمار نشان می‌دهد نگاه لیبرالی به سیاست و حوزه آموزشی و ولع در خصوصی‌سازی این حوزه، فارغ از گرایش‌های سیاسی باعث رشد مدارس غیردولتی و افت مدارس دولتی شده است و این مسأله در آموزش عالی به گونه‌ای دیگر تکرار و تشدید شده است. هرچند دولت از طریق ارائه سبدهای کالایی و افزایش پرداخت

¹ Javier Solana

² Supreme National Security Council

³ - Peace and regional stability

حمایتی جبرانی و نیز ارز ۴۲۰۰ تومانی سعی در جبران این بخش کرد، اما نتوانست حرکت کاهشی ضریب جینی که تا سال ۹۶ ادامه داشت را تداوم بخشد. نسبت مخارج دهک دهم (ثروتمندترین) به مخارج دهک اول (فقرترین) که از سال ۹۳ به بعد در روند حرکت آن صعودی بود به حرکت افزایشی خود ادامه داد، سال ۹۶ و ۹۷ آمارها حکایت از بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد را نشان می‌دهد (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸).

وضعیت شاخص‌های رفاهی و توزیع درآمد طی دوره ۹۷-۱۳۹۵

ردیف	عنوان متغیر / شاخص	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	درصد رشد (۹۷-۱۳۹۶)
۱	شاخص رفاه اجتماعی (به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰) هزار ریال	۳۳۶۹	۳۴۰۳	۳۱۸۱	-۶.۵۳
۲	ضریب جینی (کل)	۰.۳۹	۰.۳۹۸۱	۰.۴۰۹۳	۲.۸۱
۳	ضریب جینی (شهری)	۰.۳۷۳	۰.۳۷۹۳	۰.۳۹۴۰	۳.۸۸
۴	ضریب جینی (روستایی)	۰.۳۳۶۳	۰.۳۵۵۹	۰.۳۵۹۵	۱.۰۱
۵	نسبت مخارج دهک دهم به دهک اول (کل)	۱۲.۹۹	۱۳.۶۵	۱۴.۴۵	۵.۸۵
۶	نسبت مخارج دهک دهم به دهک اول (شهری)	۱۱.۱۲	۱۱.۵۵	۱۲.۴۴	۷.۷۱
۷	نسبت مخارج دهک دهم به دهک اول (روستایی)	۹.۲۵	۱۰.۳۵	۱۰.۶۸	۳.۱۹
۸	نسبت مخارج بیست درصد بالا به بیست درصد پایین (کل)	۷.۶۱	۸	۸.۳۶	۴.۵۰
۹	نسبت مخارج بیست درصد بالا به بیست درصد پایین (شهری)	۶.۷۷	۷.۰۴	۷.۴۷	۶.۱۱
۱۰	نسبت مخارج بیست درصد بالا به بیست درصد پایین (روستایی)	۵.۷۸	۶.۳۴	۶.۴۷	۲.۰۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، بانک مرکزی، محاسبات امور اقتصاد کلان سازمان برنامه‌بودجه. درآمد ملی سال ۱۳۹۷ برای محاسبه شاخص رفاه اجتماعی به صورت برآورد (توسط امور اقتصاد کلان) می‌باشد.

سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه بر پایه سه اصل «اقتصاد مقاومتی»، «پیشسازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم سازی فرهنگی» در سال از سوی مقام معظم رهبری ۹۴ ابلاغ شد. به دنبال این ابلاغیه آنچه در تدوین این برنامه مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفت تحقق این اصول و رفع ضعف‌های قبلی در محقق شدن اهداف برنامه قبلی توسعه‌ای بود، بنابراین برای عدم تکرار تجارب قبلی اساس برنامه ششم توجه به واقعیت‌های موجود در صحنه داخلی و خارجی تدوین شد. به رغم این مهم اما بررسی‌ها و گزارش‌های نظارتی بیانگر دستیابی حداقلی به اهداف تعیین شده در برنامه ششم توسعه است.

پیروزی روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و برنامه‌های ارائه شده وی در عرصه سیاست خارجی با استقبال گسترده مقام‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله اروپایی‌ها مواجه شد. رویکرد جدید ایران در پرونده هسته‌ای که با اعلام سیاست «نرمش قهرمانانه» مقام رهبری شروع شده بود با رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده ایران و گروه ۵+۱ در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در شهریور-مهر ۱۳۹۲ ادامه یافت (سنایی و همکاران، ۱۳۹۴). براساس توافق ژنو صادرات محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری ایران به اتحادیه اروپا آزاد شد. در حالی که اقدامات و طرح‌های گسترده سرمایه‌گذاری بین ایران و اروپا در دوره کوتاه پسا برجام توافق شده بود و امیدواری تداوم رشد چشمگیر تعاملات دو جانبه و حضور شرکت‌های بزرگ اروپایی در ایران را نوید می‌داد، انتخابات آمریکا و سیاست مخالفتی ترامپ با برجام برگشتن ورق را شروع کرد و با خروج ترامپ همه معادلات به هم خورد. شرکت‌های اروپایی که زمانی برای ورود به بازار کشورمان صف کشیده بودند؛ ایران را ترک گفتند و به تبع آن حجم مبادلات نیز به شدت کاهش یافت. برجام تنها یک توافق هسته‌ای نبود. برجام در واقع گفت‌وگویی با جهان بین‌الملل در قالب مذاکرات هسته‌ای بود. بنابراین برجام مانعی بسیار جدی برای بازگشت ایران به سیاست‌های گذشته است و دولت

یازدهم نیز با طرح مفاهیمی همچون «هنر ارزشی و غیر ارزشی نداریم»، «گره زدن چرخ سانتیفریوژها به چرخ زندگی مردم»، «بزرگنمایی تحریم‌ها»، «هجمه علیه شعار بعنوان ترجمان عقل ملی»، «پرتأثیر نشان دادن سرمایه‌گذاری و روابط خارجی در اقتصاد»، «سوء تفاهم جلوه دادن مشکلات مبنایی آمریکا و ایران» و «نشان دادن در باغ سبز پسابرجام» و دست آخر نیز «انعقاد برجام» به زعم خود این الزامات را رعایت کرد (اقبالی، ۱۴۰۰).

– توسعه در دولت رئیسی در سایه بحران هسته‌ای:

برجام در مرداد ۱۳۹۴ امضا شد و تاریخ خروج آمریکا از برجام، اردیبهشت سال ۱۳۹۷ است. آمارها نشان می‌دهند وضعیت اقتصادی کشورمان به برجام و تحریم‌های ناشی از تعطیلی آن گره خورده و اینطور نیست که اراده ما در این زمینه تأثیرگذار باشد. تردیدی وجود ندارد که نباید برای برجام و تحریم‌های ناشی از تعطیلی آن نقش و سهم صددرصدی در تورم و وضعیت نابسامان اقتصادی کشورمان قائل باشیم و برای چگونگی مدیریت اقتصادی کشور نقش و سهمی قائل نشویم ولی این را هم باید بپذیریم که انکار تأثیر تحریم‌های ناشی از تعطیلی برجام انکار امر بدیهی است. درباره سهم هر یک از این دو (تحریم‌ها و مدیریت ناکارآمد) باید به داده‌های آماری مراجعه کرد. با گذشت بیش از دو سال از آغاز دولت رئیسی، برخی تصمیمات سیاسی در دولت سیزدهم، به ساخت و تولید بحران‌هایی تبدیل شده که رئیسی در مواجهه با این بحران‌ها، روزه سکوت گرفته یا از عرصه عمومی غایب است. بحران‌های خودساخته رئیسی که در آغاز، مسئله‌ای در حوزه سیاستگذاری عمومی بود و بعضاً با شعارهای انتخاباتی رئیسی نیز در تضاد قرار گرفت، به مرور مسائل فرهنگی، سیاست خارجی، اقتصادی و اجتماعی را به مسئله‌ای «امنیتی» تبدیل کرد. مسائلی که مردم را در برابر دولت قرار داده و به دلیل غیبت دولت در حین بحران در عرصه عمومی، ماهیت اعتراضات مردم را در ابعاد کارکردی متوجه کل حاکمیت کرد. غیبت دولت در عرصه عمومی به حدی است که صدای فعالان سیاسی را هم درآورده و این انتقاد به دولت مطرح می‌شود که دولت در مسائل اقتصادی نیز غائب است. این غیبت و سکوت رئیس جمهور را غالب مردم به سکوت در برابر رفتار خشونت‌آمیز پلیس تهران در مواجهه با اعتراضات سراسری هم گوش‌زد می‌کنند. خشونت‌های پرهزینه‌ای که دولت رئیسی هیچ واکنشی نسبت به آن نشان نمی‌دهد یا با سکوت، آن را تایید می‌کند. خشونت‌هایی که پیگیری درباره آن‌ها هم اعلام نمی‌شود (سلیمی، ۱۴۰۲). در چنین موقعیت‌هایی مشاهده می‌کنیم تندروها، از فقدان حضور دولت در عرصه عمومی سوء استفاده کرده و سیاستگذاری برای افزایش محدودیت‌ها را در جهت تشدید تقابل مردم با دولت، پیش می‌برند.

از آغاز دولت رئیسی تا امروز، پیش‌نویس قطعنامه‌ای علیه ایران روی میز شورای حکام قرار گرفته که در آن ایران به «همکاری الزامی و اضطراری»، توصیه شده است. همچنین، آمریکا و سه کشور اروپایی از شورای حکام خواستند که با تصویب قطعنامه‌ای در رابطه با ایران، خواستار همکاری این کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شود. در حالی تحریم اتحادیه اروپا علیه ایران بعد از اعتراضات سراسری صورت گرفت، که وزارت خارجه آلمان، از قبل، خبر از آن داده بود. اگرچه تمامی این تحریم‌ها از سوی وزارت خارجه، دخالت در امور داخلی ایران ارزیابی شد اما هیچ تلاش دیپلماتیکی برای جلوگیری از تحریم‌ها صورت نگرفت. آن چنان که موقعیت کشور در اعتراضات سراسری نشان داد، دولت رئیسی یک پای همیشگی تولید و استمرار بحران بوده است. از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی که فعالان سیاسی، پیش بینی وقوع اعتراضات را بیان کرده بودند تا حمایت از طرح صیانت از فضای مجازی و سکوت در برابر فیلترینگ که نشان می‌دهد رئیسی در بحران‌ها منفعل و بی توجه به مردم است.

مقایسه کلی دولت‌های مختلف نشان می‌دهد رشد اقتصادی در دولت هاشمی وضعیت مطلوبی داشت و به بالاترین حد خود در دولت‌های پس از انقلاب رسید در حالی که پایین ترین میزان رشد اقتصادی مربوط به دولت احمدی‌نژاد و روحانی بوده که به دلیل تحریم های اقتصادی مختلف اعمال شده می‌باشد؛ هرچند بالاترین میزان فروش نفت مربوط به این دوره‌ها بوده است. جدول (۲) وضعیت رشد اقتصادی درآمد نفتی دولت‌های مختلف را پیش و پس از بحران انرژی هسته‌ای نشان می‌دهد.

جدول (۲) مقایسه رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و درآمد نفتی در دولت‌های مختلف (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵) (به درصد)

شرح	متوسط رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه	متوسط رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (بدون نفت)	نرخ تورم	مقدار تجمعی درآمد نفتی (میلیارد دلار)
دولت پنجم و ششم (میانگین دو دوره)	۴/۸	۶/۰۵	۲۵/۳۶	۱۴۱
دولت هفتم و هشتم	۴/۶۵	۵/۳۵	۱۵/۷۵	۱۵۷
دولت نهم و دهم	۲/۳۵	۳/۹۵	۱۷/۵	۶۱۸
دولت یازدهم و دوازدهم	۱/۴۵	۱/۵	۲۱/۵۵	۳۵۰
دولت سیزدهم (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲)	۴/۵	۴/۰	۴۳/۸	۷۶

ارقام سال های ۱۳۶۸-۱۳۸۲ و ۱۳۸۳-۱۳۸۹ به ترتیب بر اساس آمارهای پایه ۱۳۸۳ و ۱۳۹۰ موجود است. بر این اساس با هدف قابل مشاهده بودن، ارقام نمودار برای سال پایه ۱۳۹۵ برآورد شده‌اند. منبع: بانک مرکزی به نقل از مجله دنیای اقتصاد (۱۴۰۳) و خبرگزاری مهر (۱۴۰۳)

۲-۶ نتیجه گیری

در طول چهار دهه اخیر، نظام جمهوری اسلامی در سه ظرف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با انبوهی از بحران‌ها مواجه بوده است. در میان بحران‌ها، تحریم همواره به اشکال مختلفی اعمال شده و زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های امنیتی گسترده‌ای نیز شده است. به سخن دیگر، تحریم‌ها به مثابه «اقدامات تنبیهی» قدرت‌های بزرگ، و مجریان تحریم به رهبری ایالات متحده در صدد بوده‌اند تا با گسترش و تعمیق بحران در جامعه ایران به اهداف موردنظر خود دست یابند. سیاست خارجی ایران، در طول چهار دهه بعد از انقلاب با فراز و فرودهایی در خصوص بحران هسته‌ای همراه بوده است. در دوره اصلاحات و در سایه سیاست خارجی، روابط اقتصادی - سیاسی ایران با اروپا رو به بهبودی رفت؛ اما با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد جهت‌گیری سیاست خارجی ایران به شدت ایدئولوژیک-امنیتی شد و به تبع آن ایران در نظام بین‌الملل منزوی گشت. بعد از روی کار آمدن حسن روحانی و در سایه مدیریت اقتصادی وی، اقداماتی چون تثبیت ایران ملی توسعه در سیاست خارجی، نقش نرخ ارز، کاهش تورم، بازگرداندن اعتماد به کسب و کار و تجارت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دولت او به نتیجه رسید. با گذشت بیش از دو سال

از آغاز دولت رئیسی، برخی تصمیمات سیاسی در دولت سیزدهم، به ساخت و تولید بحران‌هایی تبدیل شده است. بحران‌های خودساخته رئیسی که در آغاز، مسئله‌ای در حوزه سیاستگذاری عمومی بود به مرور مسائل فرهنگی، سیاست خارجی، اقتصادی و اجتماعی را به مسئله‌ای «امنیتی» تبدیل کرد.

با توجه به آنچه که گفته شد با سیاسی نمودن و امنیتی شدن برنامه هسته‌ای ایران بنوعی مساله هسته‌ای به یک مساله بین‌المللی تبدیل گردیده که علت جهانی گشتن موضوع مذکور به عدم توجه و آینده‌نگری در تصمیم‌سازی‌های کلان مدیریتی در ایران برمی‌گردد. در واقع عدم بکارگیری عقلانیت در برخی از تصمیم‌گیری‌ها و بدون شناخت و اشراف بر اوضاع و احوال بین‌المللی و موضوع هسته‌ای و با توجه به موقعیت تجدیدنظر طلبانه نظام جمهوری اسلامی ایران و عدم انطباق شرایط موجود انقلابی ایران با تصمیم‌گیری‌های زودگذر و بدون توجه به عواقب احتمالی آن در آینده سبب گردیده که در طی یک دهه اخیر ما شاهد تبدیل مساله هسته‌ای به یک بحران باشیم. در واقع با تغییر چرخش رویکردی اروپا در مذاکرات با ایران و متمایل شدن به سیاست‌های آمریکا در این زمینه و نیز با خروج پرونده هسته‌ای از آژانس و قرار دادن آن در نظارت شورای امنیت، ما شاهد خروج موضوع از مدیریت اروپا به سمت مدیریت آمریکا هستیم. در این راستا برنامه هسته‌ای کشور و بحرانی شدن آن نه تنها توسعه ملی را مورد ضرب‌آهنگ نزولی قرار داده بلکه از وجه دیگر نیز موضوع امنیت ملی ایران و حاکمیت ملی را نیز مورد چالش و تهدید گاه و بی‌گاه قرار داده است. در واقع تغییر فضای گفتمان هسته‌ای از شکل فنی و حقوقی آن به شکل سیاسی و امنیتی متاثر از این نوع فرآیند تصمیم‌گیری در کشور بوده است. در هر تصمیم‌گیری به مقولاتی چون دورنماهای کلان و افق‌های مربوطه توجه می‌شود که بلنداندیشی و ژرف‌اندیشی‌ها همواره با چاشن عقلانیت همراه می‌باشد. در صورتی که در موضوع هسته‌ای برخی از مسؤولان ما از بلنداندیشی عقلانی و آینده‌پژوهی خرد ورزانه بیشتری سود می‌جسند، منافع ملی بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت.

در حال حاضر ایران در رکود اقتصادی شدید به سر می‌برد. از آنجایی که نفت ۶۴ درصد از صادرات ایران را تشکیل می‌دهد، اقتصاد ایران همیشه مستعد شوک‌های ناشی از بازار نفت بوده است. پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، درآمد صادرات نفت و گاز از ۸۲/۴ میلیارد دلار به ۶۶/۲ میلیارد دلار آمریکا کاهش یافت که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را از ۸ درصد در سال ۲۰۰۷ به کمتر از یک درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش داد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۱). ایالات متحده به دلیل عدم توافق برسر سیاست‌های هسته‌ای در سال ۲۰۱۲، ایران را تحریم کرد که به کاهش ۵۰ درصدی درآمد صادرات نفت و گاز منجر شد و نرخ رشد تولید کشور را از حدود ۳ درصد در سال ۲۰۱۱ به منفی ۸ درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش داد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۴). در حال حاضر وضعیت بیش از هر زمان دیگری نگران‌کننده بوده و رشد تولید ناخالص داخلی متوقف شده است، بیکاری در سطوح بالا ادامه دارد، مانده حساب جاری پس از دهه‌ها در حال سقوط در قلمرو منفی است و ریال در سقوط آزاد است. همچنین با وقوع تحریم‌های اقتصادی، از یک طرف مخارج سرمایه‌گذاری، مصرف کل و فرآیند تشکیل سرمایه روندی نزولی گرفته و از طرف دیگر هزینه‌های مرتبط با تولید روندی افزایشی داشته‌اند و در نتیجه شکاف تولید در اقتصاد افزایش یافته است. همچنین بر اساس نتایج متغیرهای سرمایه‌گذاری و تورم، بیشترین تأثیرپذیری از تحریم‌ها را دارند.

بطور کلی باید اذعان نمود که اثرات منفی تحریم‌ها در طول تاریخ بر بخش‌های مختلف کشور به ویژه اقتصاد و معیشت، منابع زیست محیطی، توسعه اجتماعی و سیاسی کشور، امری غیرقابل انکار است. تحریم‌های اعمالی علیه ایران چه از طرف شورای امنیت و چه از طرف اتحادیه اروپا و کشورهای دیگری مثل آمریکا، بخش‌هایی را که نقش مهمی در اقتصاد ایران و پیشبرد برنامه

هسته‌ای دارند هدف گرفته‌اند. از جمله بخش انرژی که تحریم‌ها در این زمینه، علاوه بر محدود کردن ایران در استفاده مناسب از منابع انرژی، اثراتی را بر اقتصاد و کاهش سطح توسعه کشور گذاشته است. ذکر این نکته لازم است که به دلیل وظیفه اصلی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به سختی می‌توان بر مشروعیت تحریم‌های آن خللی وارد کرد، فلذا تأکید بیشتر در این پژوهش بر اثرات زیان بار تحریم‌های فراقطعنامه‌ای یکجانبه از سوی کشورها و برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا بر محیط زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی بوده است. این امری مسلم است که در پی تحریم‌های مختلف اقتصادی، کاهش سطح توسعه پایدار و آسیب به محیط زیست، در اثر مشکلات ناشی از تحریم و توجه کمتر کشور به محیط زیست و نیز عدم دسترسی به تکنولوژی‌های سبز و کمک کشورهای توسعه یافته، از جمله مسائلی است که کشور تحریم شده ایران با آن مواجه شده است. حال آن‌که در بسیاری از اسناد و معاهدات الزام‌آور و غیر الزام‌آور محیط زیستی و نیز در قواعد عرفی بین‌المللی تعهد به انتقال تکنولوژی‌های سبز، رعایت و تضمین حق بر محیط زیست سالم شهروندان، مسئولیت مشترک اما متفاوت کشورها در حفظ محیط زیست، اصل همکاری کشورها و کمک به توسعه پایدار، منع آسیب به دیگری و ممنوعیت استفاده خسارت‌بار از سرزمین به صراحت بیان شده‌اند و کشورهای تحریم‌کننده با وضع تحریم، این تعهدات را نقض می‌کنند. در زمینه انتقال تکنولوژی نیز، کشورهای تحریم‌کننده با محدودیت یا ممنوعیت انتقال دانش و تکنولوژی علاوه بر نقض حق توسعه کشور، تعهد خود به انتقال تکنولوژی را که در برخی معاهدات زیست محیطی و غیر زیست محیطی پذیرفته‌اند، نادیده می‌گیرند و از این رو، این موارد می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی کشورهای تحریم‌کننده را، به‌ویژه در تحریم‌های یکجانبه، فراهم آورد.

بنابراین به دلیل تأثیرات منفی تحریم‌ها بر صنعت، اقتصاد، محیط زیست، اشتغال، توسعه اجتماعی و سیاسی ایران، تلاش برای رفع آن‌ها از طرق سیاسی و حقوقی و اقتصادی از قبیل ادامه روند مذاکرات با گروه ۵+۱، بررسی امکان اقامه دعوی بخش‌های تحریم شده از قبیل شرکت‌های نفت، گاز، پتروشیمی، کشتیرانی و ... در مراجع داخلی و بین‌المللی به دلیل ناعادلانه بودن این تحریم‌ها طبق قواعد حقوق بین‌الملل از جمله نقض معاهدات سرمایه‌گذاری، معاهدات مودت و دیگر قواعد و اصول اساسی حقوق بین‌الملل، امکان اقامه دعوا در دیوان دادگستری اروپا و نیز دیوان اروپایی حقوق بشر، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با بهره‌گیری از شیوه‌های اقتصادی، بهره‌گیری از منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، بادی و... به جای وابستگی به منابع نفت و گاز، سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که مشمول تحریم نمی‌شوند و ایران در تولید آن‌ها می‌تواند موفق عمل کند از قبیل پسته، زعفران، فرش و... به منظور کاهش وابستگی ایران به صادرات انرژی از جمله راهکارهای پیشنهادی برای رهایی از تحریم‌ها و کاهش آثار منفی آنها است.

به طور کلی و براساس یافته‌های این پژوهش، جمهوری اسلامی ایران، برای عبور از مشکلات فعلی و دستیابی به توسعه ملی، رفاه عمومی، کاهش فقر، ایجاد اشتغال و تقویت تولید چاره‌ای جز تعامل با کشورهای توسعه یافته و همگرایی در اقتصاد جهانی ندارند. در این راستا اقتصاددان سرشناس ایرانی، دکتر محسن رنایی بر این باور است که «امروز سه مساله بحرانی و خطرناک، شامل رکود، بحران آب و فساد در کشور وجود دارد که اگر به سرعت برای حل آن‌ها قیام نکنیم کل ساختار سیاسی را در هم می‌ریزد. اینها دشمنان اصلی جامعه ما هستند که به گمان من مساله بحران رکود از دو بحران دیگر خطرناک‌تر و عاجل‌تر است (رنایی، ۱۳۹۵). بنابراین در صورت تلاش برای رفع تحریم‌ها و برداشته شدن آن‌ها می‌توان آثار مثبت و تاثیرگذار آنرا به سرعت در

بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی ملاحظه نمود و به تبع آن توسعه در ایران مسیر درست خود را پیدا نموده و به اهداف مورد نظر خود دست پیدا خواهد کرد.

امید است با حمایت جدی و مدیریت شده از دستاوردهای بومی و با سیاست‌گذاری صحیح و هدفمند نیاز کشور به فناوری های ضروری را هر چند در طولانی مدت حداقل در حد ضرورت مرتفع شود. بنابراین تمامی فرضیه های مقاله با این تحلیل مورد تایید قرار گرفت.

پیشنهادات

- توجه به مسئله نخبه پروری و حمایت از نخبگان و جلوگیری از مهاجرت آنها از کشور؛
- ایجاد امنیت برای سرمایه گذاران ایرانی خارج از کشور در جهت حمایت داخلی؛
- ایجاد دیپلماسی فعال در حوزه روابط بین الملل و همکاری با سازمان های بین‌المللی؛
- از بین بردن حس بدبینی در میان مسئولین و هم راستایی در رسیدن به هدف توسعه کشور؛
- ایجاد ارتباطات گسترده بین‌المللی در جهت حل پرونده هسته‌ای و کمک گرفتن از دو جناح موافق و مخالف در جهت بهبود مسئله تحریم ها.

منابع

- اعتماد، اکبر (۱۳۹۰)، برنامه انرژی هسته‌ای ایران تلاش ها و تنش ها، تهران: انتشارات بنیاد مطالعات ایران
- خدایی، اسفندیار. (۱۳۹۸)؛ روابط امریکا و چین در خلیج فارس: همکاری یا تقابل، فصلنامه علمی روابط خارجی. دوره ۸، شماره ۱، فروردین
- خبرگزاری مهر (۱۴۰۳/۹/۱۲). رشد صادرات نفتی در دولت سیزدهم/درآمد ۴۲ میلیاردی در سال ۱۴۰۱. قابل دسترسی در: mehrnews.com/news/5844747
- رنجبر، مقصود (۱۳۹۴)، ارزیابی سیاست خارجی دولت دهم، گزارش راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روحانی، حسن (۱۳۹۳)، امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۸) گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۶ و نظارت بر عملکرد سه سال اول برنامه چهارم توسعه تهران معاونت نظارت راهبردی دفتر نظارت برنامه
- سلطانی، فخرالدین (۱۳۹۵)، تحلیل سیاست خارجی از منظر مقایسه‌ای، تهران: نشر نو
- شولزینگر، رابرت دی (۱۳۹۰)، دیپلماسی آمریکا در قرن بیست، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه
- شیبانی، ابراهیم (۱۳۷۰)، اقتصاد ایران، تهران: دانشگاه تهران
- صدری، محسن (۱۳۹۶)، شکوه ملی در فن‌آوری هسته‌ای، اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق
- صدیقی، ابوالفضل؛ (۱۳۹۲) سیاست خارجی دولت خاتمی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- طاهری، شهنام، "نفاوت میان رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی"، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، تهران، ۱۳۹۷/۳/۵.
- عربی مهدی، تقوی مهدی، رویایی رضاعلی، بنی مهد بهمن. (۱۳۹۸)، محتوای اطلاعاتی صورت های مالی در فرایند تشدید تحریم‌های اقتصادی بر ایران، نشریه: بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره: ۲۵، شماره: ۱، ۹۱-۱۱۲.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۴)، مبانی سیاست خارجی تطبیقی بررسی سه الگوی ایران ترکیه و چین، تهران: مطالعات راهبردی
- قندهاری، شادی (۱۳۹۰)، روابط ایران و آمریکا در دوران ریاست جمهوری خاتمی (مسائل ساختاری عدم عادی سازی روابط ایران و آمریکا)، تهران: رسا.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات آگاه
- قوام، عبدالعلی (۱۴۰۰)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت
- قوچانی، محمد (۱۳۷۹)، بازی بزرگان وقایع‌نگاری جنبش اصلاحات دموکراتیک در ایران، تهران: انتشارات نقش و نگار
- کاستلز مانوئل، (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت و هویت)، جلد دوم مترجم: حسن چاوشیان تهران: طرح نو.
- کونل، هارد (۱۳۵۷)، لیبرالیسم، ترجمه منوچهر فکری، تهران: نشر مرکز.
- لاسکی، هارولد (۱۳۵۳)، سیر آزادی در اروپا، ترجمه رحمت‌الله مقدم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۴)، الگوی تعامل سازنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مفید
- متقی، ابراهیم، پوستین چی، زهره (۱۳۹۳)، سیاست خارجی ایران در گذر تحریم، قم: انتشارات دانشگاه مفید
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران «اصول و مسائل»، تهران: نشر دادگستر
- مجله دنیای اقتصاد، (۱۴۰۳/۳/۱۹)، نمره اقتصادی پاستور نشینان، قابل دسترسی در: <https://www.magiran.com/article/4518841>
- وهی وود، اندر (۱۳۷۹)، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی.
- ویلیامسون (۱۳۸۳)، تاریخچه اجماع واشنگتنی، ترجمه فرهاد جم، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- هادی‌زنوز، بهروز (۱۳۹۸)، تحلیل تحریم‌های بین‌المللی ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی در دوره ۱۳۵۷ - ۱۳۹۷، تهران: اقتصاد فردا
- هانریدر، ولفرام (۱۳۸۸)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، ترجمه حسین سیف‌زاده، تهران: وزارت خارجه
- Borowie, Andrew. (2006). "Dissident Offers Partisan Look at Iranian Threat to West," *Guardian*, 30 August.
- Kausch, HansG (1982), *Boycot; Encyclopedia of Public nternational. World Politics; Vol. 57*
- Lucas, R. (1988). "On the Mechanics of Economic Development". *Journal of Monetary Economics*, 22
- Malloy, P (1995), *Economic Sanctions and Human Rights: A Delicate Balance*; www.wcl.american.edu/hrbrief/
- Nakanishi. Hisae (2015). *The Construction of the Sanctions Regime Against Iran: Political Dimensions of Unilateralism. Economic Sanctions under International Law. First Online 01 January.*
- Romer, D. (2012). "Advanced Macroeconomics". 4th ed. New York: McGraw-Hill/Irwin.
- Rostow, W. (1990). "The Stages of Economic Growth. A Non-Communist Manifesto". 3rd ed., New York: Cambridge University Press.
- Sanders, Philippe (2001), *Bowt's Law of International Institutions, Fifth Ed: London, Sweet & Maxwell*
- Todaro, M. & Smith, S. (2012). "Economic Development". 11th ed. Boston, Mass: Addison-Wesley.